

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دوره ۱۴، شماره ۱ - شماره پیاپی ۴۸، بهار ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

صص: ۳۶-۵۰

## بررسی رابطه هویت قومی و هویت ملی در بین دانش آموزان

### مقطع متوسطه نظری شهرستان گنبد کاووس

رضا یازرلو<sup>۱\*</sup> بتول سوسرایی<sup>۲</sup>

۱- استادیار جامعه شناسی مسائل اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران، تهران

۲- کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه پیام نور مشهد

### چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه هویت ملی و هویت قومی و بررسی وضعیت این دو متغیر بر اساس برخی متغیرها در بین دانش آموزان مقطع متوسطه نظری گنبد کاووس، با استفاده از رویکرد کمی و روش پیمایشی می باشد. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۶۴ نفر و با روش طبقه ای نسبی و خوشه ای انتخاب شده اند. چارچوب نظری این تحقیق بر پایه سه دسته نظریه - پردازای هویت یعنی سطح خرد، میانه و کلان تنظیم شده است. سوال اصلی آنست که هویت ملی و قومی دانش آموزان گنبدی چه ارتباطی با همدیگر داشته و بر اساس برخی متغیرهای مستقل و جمعیت شناختی، هویت ملی و قومی آنان در چه وضعیتی قرار دارد؟ نتایج به دست آمده نشان می دهد پاسخگویان به مولفه های هویت ملی و قومی گرایش بالاتر از متوسط دارند و هویت ملی و قومی دانش آموزان بطور همزمان در وضعیت مطلوبی قرار داشته و رابطه متعارضی با همدیگر ندارند. بعلاوه رابطه مذکور در میان تمام گروه های قومی مورد بررسی نیز مثبت و مستقیم است. همچنین همبستگی متغیر احساس محرومیت نسبی با هویت ملی، معکوس و با هویت قومی مثبت و مستقیم است. ضرایب تحلیل مسیر نیز تایید کننده روابط فوق می باشد.

**واژه های کلیدی:** هویت، هویت ملی، هویت قومی، دانش آموزان مقطع متوسطه گنبد کاووس

## مقدمه و طرح مساله

هویت، پدیده‌ای است که توسط فیلسوفان، انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و عالمان علم سیاست و به شیوه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. هویت در لغت به معنی این همانی و شناسایی و همسان ساختن است و در جامعه‌شناسی عبارت است از خود را با فردی یا گروهی یکسان و همتا پنداشتن، آنچنان که فرد خود را در قالب آن ببیند و در این معناست که معادلهایی چون هم‌ذات‌پنداری و اتحاد می‌یابد و در فرایند آموزش و همچنین اجتماعی شدن مؤثر است (ساروخانی، ۱۳۷۰). به عبارتی هویت به معنای احساس همبستگی فرد با گروه‌های اجتماعی در سطوح محلی (قومی)، ملی و جهانی است. این نوع هویت‌ها در کشاکش و در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد؛ آنچه مهم است، اینست که هویت ما بستگی به چیزی دارد که در مقابل آن، خویش را می‌فهمیم و بازمی‌شناسیم (بشریه، ۱۳۸۳: ۸۱۱). در جوامع سنتی، زمان از مکان جدا نبود و زمان و فضا در بستر مکان به یکدیگر پیوند می‌خورند، بنابراین هویت‌یابی و حفظ هویت دشوار نبود، اما در فرایند مدرنیته روابط اجتماعی دگرگون شدند. به نظر می‌رسد که هویت‌های قومی و محلی در صورت تبدیل شدن به قوم‌گرایی، می‌تواند منشأ تعارض قومی و مانع همبستگی در سطوح جامعه باشد و از طرف دیگر هویت ملی، در صورت تبدیل شدن به ملی‌گرایی افراطی، منشأ تعارضات قومی در درون هر کشور و تعارضات بین ملتها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد (عبداللهی، ۱۳۷۶: ۶۶). فرهنگ‌های گوناگون تحت تأثیر تلویزیون، ماهواره، اینترنت، زبان، گردشگری، عقاید مربوط به حقوق بشر و غیره از برخی نسبت‌های محلی گسسته شده‌اند. در این میان ایران بنا به موقعیت استراتژیک و ژئواستراتژیک که در منطقه دارد (وجود اقوام مشترک در درون و برون مرزها) از حساسیت بالایی برخوردار است (کیشی پور، ۱۳۸۳: ۸). این وضعیت در استان‌هایی همچون گلستان و در شهر گنبد کاووس نیز در مقیاس کوچکتر قابل مشاهده است. گنبد، شهری است با تنوع قومی فراوان که گروه‌های فرهنگی، مذهبی، زبانی و قومی گوناگونی مانند ترکمن‌ها، آذری‌ها و سیستانی‌ها را در خود جای داده است. عده‌ای نیز در شهر گنبد زندگی می‌کنند که خود را به لحاظ تاریخی، زبانی و فرهنگی متعلق به اقوام فوق نمی‌دانند. این افراد به زبان فارسی صحبت می‌کنند و البته اشتراکات زیادی نیز در این تعاملات با اقوام مذکور پیدا کرده‌اند. اما همچنان خود را هم قوم با آنان نمی‌دانند. با توجه به این نکته مهم که معتقدیم تقلیل زبان فارسی به عنوان یک شاخص مهم هویت ملی به یک گروه قومی، اشتباه است؛ لذا ما آنها را گروه‌های محلی فارس زبان نامیدیم. این گروه‌ها شامل سبزواری‌ها، کتولی‌ها، شاهرودی‌ها و گرگانی‌ها هستند. این اقوام، تاریخ مشترک و آمیخته با سایر ایرانیان داشته و فراز و نشیب‌های بسیاری را در این تعامل طولانی مدت تجربه کرده‌اند؛ تجربه‌ای که گاه همراه با جنگ و نزاع بوده و گاه نیز با اتحاد و همدلی و مبارزه علیه بیگانگان همراه گشته است (یازرلو، ۱۳۸۹: ۸). بر این اساس این پرسش مطرح می‌شود که این ارتباط و تعامل چه تأثیری بر نگرش اقوام، نسبت به مؤلفه‌های هویت قومی و هویت ملی گذاشته است؟ و چه ارتباطی بین هویت قومی و ملی وجود دارد و سیاست درست در این حوزه چیست؟ تعادل میان این دو نوع هویت اهمیت زیادی دارد به همین دلیل در این پژوهش هدف اصلی، بررسی رابطه میان این دو نوع هویت است تا روشن شود تا چه حد می‌توان به همزیستی و تعامل متقابل این دو نوع هویت در این منطقه امید داشت. بنابراین سوال اصلی اینست که آیا رابطه‌ای بین هویت قومی و هویت ملی دانش‌آموزان گنبدی وجود دارد؟

### چارچوب مفهومی

تعریف نظری و عملی هویت قومی: هویت قومی به ویژگی‌های فرهنگی اطلاق می‌شود که یک قوم را از اقوام دیگر متمایز می‌کند و بین اعضای یک قوم، یک احساس تعلق به همدیگر ایجاد کرده و آن‌ها را منسجم می‌کند، هویت قومی در سطحی پایین‌تر از هویت ملی یا جامعه‌ای قرار دارد (احمدلو، ۱۳۸۱: ۱۲۳). متغیر هویت قومی در تحقیق حاضر با استفاده از چهار مؤلفه مورد سنجش قرار گرفته‌است که مؤلفه‌های مورد بررسی به این شرح می‌باشد: الف) زبان و ادبیات قومی شامل گویش‌های: اهمیت یادگیری زبان قومی که فرد به آن تعلق دارد، ضرورت آموزش زبان قومی، علاقه فرد به یادگیری زبان قومی، آشنایی فرد با آثار مهم ادبیات قوم خود، داشتن این آثار در منزل، میزان مطالعه آنها. ب) موسیقی قومی شامل گویش‌های: علاقه فرد به موسیقی قوم خود، علاقه‌مندی فرد به خوانندگان موسیقی سنتی قوم خود، اهمیت دعوت از آنها در مراسم و اعیاد، میزان گوش دادن فرد به موسیقی سنتی قوم خود ج) تاریخ قومی شامل گویش‌های: میزان اعتقاد به وجود تاریخ خاص قومی، اهمیت شناخت و آگاهی از تاریخ بزرگان قوم خود، میزان افتخار به تاریخ قومی، میزان آشنایی با نمادهای قوم خود د) وابستگی قومی شامل گویش‌های: میزان علاقه فرد به ارتباط با هم‌زبانان خود، میزان احساس غرور فرد نسبت به قوم خود، میزان اهمیت تعلق قومی برای فرد می‌باشد (احمدلو، ۱۳۸۱).

تعریف نظری و عملی هویت ملی: هویت ملی به مثابه نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به مجموعه‌ای از مشترکات ملی جامعه است که موجب وحدت و انسجام می‌شود و دارای ابعاد مختلف خرده فرهنگ ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی است و ویژگی اصلی آن قابلیت انعطاف اجزاء آن و بومی بودن ابعاد تشکیل دهنده آن می‌باشد (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۱۲). متغیر هویت ملی در تحقیق حاضر با استفاده از پنج مؤلفه مورد سنجش قرار گرفته‌است که مؤلفه‌های مورد بررسی به شرح ذیل می‌باشد: الف) زبان و ادبیات ملی (زبان فارسی) که شامل گویش‌های ضرورت یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان مشترک، ترجیح زبان فارسی به زبان‌های دیگر جهان، آشنایی فرد با آثار فاخر ادب فارسی، داشتن آثار فاخر ادب فارسی در منزل، میزان مطالعه آثار ادب فارسی در منزل، تکلم به زبان فارسی با اعضای خانواده می‌باشد ب) میراث فرهنگی که شامل گویش‌های احترام به سرود و پرچم ملی، علاقه‌مندی به مراسم ملی نظیر عید نوروز، علاقه به موسیقی سنتی فارسی، استفاده از پوشش رسمی در مدارس، اهمیت شناخت تاریخ ایران، افتخار نسبت به گذشته تاریخی، اهمیت مرمت آثار تاریخی می‌باشد ج) سرزمین ملی (وابستگی ملی) که شامل گویش‌های آمادگی فرد برای دفاع از میهن، علاقه فرد به زندگی در ایران، اهمیت ایرانی بودن نزد فرد، میزان احساس غرور فرد از ایرانی بودن، اهمیت کلیت و یکپارچگی میهن نزد فرد، علاقه فرد به رابطه با سایر ایرانیان می‌باشد د) گرایش دینی که شامل گویش‌های اعتقاد فرد به وابستگی دین و سیاست، قبول دین اسلام به عنوان دین رسمی، اهمیت عناصر دینی در زندگی روزمره، ضرورت برپایی مراسم دینی، میزان مشارکت فرد در مراسم دینی، داشتن کتب دینی در منزل، میزان مطالعه کتب دینی، تأثیر دین در رفتار انسان از نظر فرد می‌باشد ه) گرایش سیاسی شامل گویش‌های اهمیت آنچه به لحاظ سیاسی در کشور می‌گذرد، میزان دنبال کردن اخبار سیاسی روز توسط فرد، میزان مشارکت سیاسی فرد، میزان شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها، میزان شرکت در انتخابات می‌باشد (احمدلو، ۱۳۸۱).

تعریف نظری و عملی احساس محرومیت نسبی: رابرت گار محرومیت نسبی را حاصل تفاوت انتظارات یا خواسته‌های ارزشی با توانایی‌های ارزشی می‌داند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۷: ۷۹). درک اینکه یک انتظار یا توقع برآورده نشده یا نقض شده‌است، شاخص ادراکی از محرومیت نسبی را تشکیل می‌دهد و حس بی‌انصافی، رنجش و نارضایتی ناشی از این انتظار، به جنبه عاطفی مربوط می‌شود که احساس محرومیت نسبی نامیده می‌شود (رستگار و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۸۶).  
تعریف عملی: جهت سنجش متغیر احساس محرومیت نسبی از هشت شاخص زیر استفاده شد: (۱) تکریم و احترام اقوام مختلف (۲) توزیع مناسب امکانات اقتصادی (۳) میزان دسترسی به امکانات آموزشی (۴) میزان دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی (۵) میزان دسترسی به امکانات تفریحی و ورزشی (۶) امکان برخورداری از آینده شغلی مناسب (۷) چگونگی تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی (۸) شایسته‌سالاری در واگذاری پست‌ها و مناصب (فارغ از قومیت افراد)

سوالات تحقیق: هویت ملی و هویت قومی دانش‌آموزان گنبدی براساس شاخصه‌های هویت ملی و قومی در چه وضعیتی قرار دارند؟ آیا هویت ملی و قومی نسبت و رابطه‌ای با همدیگر دارند؟ آیا هویت ملی و قومی نسبت و رابطه‌ای با متغیرهای مورد بررسی تحقیق دارند؟ آیا ارتباطی بین مولفه‌های هویت ملی و قومی وجود دارد؟ آیا هویت ملی و قومی و محرومیت نسبی بر اساس جنس و محل سکونت تفاوتی با همدیگر دارند؟

### ادبیات نظری

هویت در اندیشه اجتماعی در سه سطح کلان و خرد و تلفیقی مورد توجه بوده‌است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. الف) سطح کلان: در این سطح مکتب کارکردگرایی به لحاظ توجهی که به موضوع هویت جمعی دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد. از نظر این رویکرد مهمترین عامل یکپارچگی در جامعه وفاق ارزشهاست که این ارزشها ثابت‌ترین جزء نظام اجتماعی و فرهنگی نیز می‌باشد (ریترز، ۱۳۷۷: ۴۵). دورکیم معتقد است به دلیل رشد جمعیت و تقسیم کار و به دنبال آن پیشرفت تکامل با تغییر همبستگی مکانیکی به ارگانیکی، ما شاهد نوعی هویت جمعی عام‌تر نیز هستیم. می‌توان گفت که جوامع مبتنی بر همبستگی مکانیکی، بیشتر دارای هویت خاص و انضباطی بوده و افراد آن، چون کاملاً در آن تحلیل رفته‌اند، هویت خاص آن محل را دارا هستند. در مقابل جوامع مبتنی بر همبستگی ارگانیکی هویتی عام‌تر دارند (دورکیم، ۱۳۷۲: ۳۰۸). پارسونز، نظریات خود را در دو سطح خرد و کلان مطرح می‌سازد. در سطح خرد، ارضای نیازهای افراد و فرایند اجتماعی شدن و هنجارپذیری افراد را مطرح می‌کند و در سطح کلان همسویی عوامل ساختاری از جمله اقتصاد، سیاست را شرایط لازم و نهادهای فرهنگی مولد و مروج ارزشها و دانشها را تعیین کننده تحقق اجتماع عام می‌داند (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۳۵). هویت از نظر پارسونز، همان نظام شخصیتی است که کنشگر عامل، با درونی کردن نمادها، ارزشها و ایدئولوژی‌هایی که نظام فرهنگی جامعه عرضه می‌کند به کنشهای خود و دیگران معنا می‌دهد (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۳۵). ب) سطح خرد: در سطح خرد، برخلاف سطح کلان، پدیده‌های اجتماعی در سطح روابط بین افراد و حداکثر گروههای کوچک مورد توجه است. در این سطح مکتب کنش متقابل نمادین بیش از سایر مکاتب به موضوع هویت پرداخته است. این مکتب به مطالعه فرایندهای کنش متقابل اجتماعی و نتایج آنها برای فرد و جامعه توجه نموده و هویت در این رویکرد یک مفهوم کاملاً پویا و

سیال است، بنابراین می‌توان هویت را یک پدیده در حال ایجاد شدن دانست که در هیچ زمانی و مکانی ثابت نخواهد بود و هر لحظه در حال شدن و به وجود آمدن است (ترنر، ۱۹۹۸: ۳۷۵-۸۲). کولی با طرح مفهوم «خودآینه‌سان»، گفت خود همان ظرفیتی است که انسان دارد، تا «خود» خویش را به گونه‌ای بنگرد که هر پدیده اجتماعی دیگر را می‌بیند (ریتزر، ۱۳۷۹؛ توسلی، ۱۳۸۹). فلسفه اجتماعی کولی مبتنی بر این فکر بود که پیشرفت بشری به گسترش هر چه بیشتر همدردی انسانی وابسته است، چندان که آرمانهای گروه نخستین که مبتنی بر عواطف و احساسات و همیاری و همکاری و همدردی می‌باشد، باید از این گروه به اجتماع محلی و ملت و سرانجام به اجتماع جهانی گسترش یابد (کوزر، ۱۳۷۶: ۴۱۴). مید، کنش اجتماعی را همیشه مبتنی بر یک مصلحت مشترک میان افراد جامعه می‌دانست، و معتقد بود خویشتن فرد بدون ارتباط با دیگری تصور ناپذیر است و مفهوم خود را بارزترین نمودار این واقعیت می‌دانست که در صحنه روابط متقابل اجتماعی خود را نشان می‌دهند (کوزر، ۱۳۷۶: ۴۵۰). از نظر جنکینز هویت حاصل دیالکتیک درون و برون و یا فرد و جامعه است، دیالکتیک درونی- بیرونی، هویت‌یابی فرایندی است که در جریان آن همه هویت‌های جمعی و فردی شکل می‌گیرد. مطابق با دیالکتیک درونی و بیرونی، آنچه مردم درباره ما فکر می‌کنند به همان اندازه اهمیت دارد که ما در مورد خودمان فکر می‌کنیم، بنابراین هویت دو جانبه است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۳). (ج) دیدگاه تلفیق‌گرایان: در نظر جامعه‌شناسان معاصر (همچون گیدنز)، برخلاف کلاسیک که یا بیشتر به ساختار توجه دارند و یا به فرد اهمیت می‌دهند، با توجه به پرسشهای جدیدی که در ذهن دارند، دو گانه‌انگاری (خرد و کلان) رنگ کمتری دارد. از اینرو موضوع هویت که از مشخصه‌های اصلی جامعه جدید است، به گونه‌ای متفاوت از آنچه که جامعه‌شناسان کلاسیک می‌انگاشتند مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نظر گیدنز هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنشهای اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آنرا به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیتهای بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱). گیدنز به این سؤال که آیا هویت پدیده‌ای ثابت است یا در طول زمان تحت شرایط و عوامل مختلف تغییر می‌کند، صریحاً اعلان می‌دارد که یکی از تفاوت‌های بارز دنیای متجدد نسبت به تمام دوره‌های پیشین زندگی اجتماعی، پویایی و تحرک بی‌سابقه آنست. طبق دیدگاه انتقادی هابرماس نیز، انسان احساس می‌کند هویت فردی، استقلال و هویت جمعی دارد و در این چارچوب با کنشگران اجتماعی رابطه متقابل برقرار می‌کند. هابرماس «جوامع انسانی را محصول کنش انسانی به شمار می‌آورد» (کرایب، ۱۳۸۱: ۳۰۴). هابرماس هویت را فرایندی تاریخی در نظر می‌گیرد که کنشگر در تعامل اجتماعی خود، و در جو فرهنگی تازه کسب می‌کند و معتقد است به صورت هویت قومی، فراقومی یا فراسنتی و اخلاق قابل تمیز است (هولاب، ۱۳۷۸: ۲۴۴). کاستلز، هویت را امری مرتبط به متن و زمینه‌های اجتماعی می‌داند و سیاست‌های مرتبط به آنرا در جایگاه تاریخی آنها بررسی می‌کند، کاستلز معتقد است دنیا و زندگی ما به دست جریانهای متضاد جهانی شدن و هویت شکل می‌گیرد، انقلاب تکنولوژی اطلاعات و بازسازی ساختار سرمایه‌داری، شکل تازه‌ای از جامعه یعنی جامعه شبکه‌ای را پایه گذارده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷).

روش تحقیق، جامعه آماری و حجم نمونه: روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایش می‌باشد و جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه نظری (اعم از دختر و پسر) شهر گنبد کاووس تشکیل می‌دهند؛ بر اساس آمار رسمی آموزش و پرورش شهرستان گنبد در سال تحصیلی ۱۳۹۳، تعداد دانش آموزان متوسطه ۹۹۳۷ نفر بوده‌اند که ۵۱۶۵ نفر را دختران و ۴۷۷۲ نفر را پسران تشکیل می‌دهند. در تحقیق حاضر برای تعیین حجم نمونه از فرمول "کوکران" استفاده شده است و حجم نمونه ۳۶۴ نفر تعیین شد. تکنیک گردآوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. پس از تعریف عملیاتی متغیرها پرسشنامه جهت گردآوری اطلاعات در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. شیوه نمونه‌گیری مورد استفاده در این تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌ای است. شیوه‌ی کار به این صورت است که ابتدا از بین دبیرستان‌های دخترانه، (مجموعاً ۱۶ دبیرستان) و دبیرستان‌های پسرانه (مجموعاً ۱۱ دبیرستان) ۶ دبیرستان که در بر گیرنده گروه‌های قومی مورد نظر می‌باشند، به صورت تصادفی انتخاب گردید، سپس به نسبت دانش‌آموزی هر یک از اقوام، پرسشنامه بین آنان توزیع شد. براساس آمار آموزش و پرورش گنبد، ۶۰ درصد دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه گنبد ترکمن، ۱۴ درصد آذری، ۱۲ درصد را سیستانی‌ها و ۱۴ درصد را سایر گروه‌های فارسی زبان تشکیل می‌دهند. بنابراین سهم هر یک از موارد مذکور، در دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه در نمونه انتخاب شده، به این شرح است:

الف) دبیرستان‌های دخترانه: ترکمن: ۱۱۵ آذری: ۲۷ سیستانی: ۲ سایر گروه‌ها: ۲۷

ب) دبیرستان‌های پسرانه: ترکمن: ۱۰۴ آذری: ۲۴ سیستانی: ۲۰ سایر گروه‌ها: ۲۴

برای آزمون پایایی گویه‌ها از آلفای کرونباخ که در واقع همبستگی درونی گویه‌ها را مورد آزمون قرار می‌دهد استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که گویه‌های مولفه‌های هویت ملی، هویت قومی و محرومیت نسبی از ضرایب قابل قبول و قوی برخوردارند. ضرایب مزبور به متغیر و شاخصهای مختلف به شرح ذیل است:

جدول شماره (۱) ضریب آلفای کرونباخ

مقیاس	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
زبان و ادبیات فارسی	۸	۰/۷۴
میراث فرهنگی	۱۰	۰/۸۲
وابستگی ملی	۸	۰/۶۶
گرایش دینی	۱۵	۰/۶۴
گرایش سیاسی	۴	۰/۷۵
هویت ملی کلی	۴۵	۰/۷۳
زبان و ادبیات قومی	۵	۰/۸۰
موسیقی قومی	۳	۰/۸۶
تاریخ قومی	۴	۰/۸۷
وابستگی قومی	۶	۰/۶۲
هویت قومی کلی	۱۸	۰/۷۸
محرومیت نسبی	۱۳	۰/۶۷

### یافته‌های تحقیق:

جدول شماره (۲) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس، مذهب و گرایش قومی

متغیر	ارزش‌ها	فراوانی	درصد
جنس	پسر	۱۷۳	۴۷/۴
	دختر	۱۹۲	۵۲/۶
مذهب	تشیع	۱۳۴	۳۶/۷
	تسنن	۲۳۰	۶۳
گرایش قومی	ترکمن	۲۱۴	۵۸/۸
	آذری	۵۵	۱۵/۱
	سیستانی	۴۳	۱۱/۸
	گروه‌های محلی فارسی زبان	۵۱	۱۴

جدول بالا اطلاعات پاسخگویان را بر حسب برخی متغیرها توصیف می‌کند. همانگونه که در بخش جامعه و نمونه آماری ذکر شد، سعی گردید ترکیب جامعه آماری در نمونه آماری نیز لحاظ گردد. لذا با توجه به این نکته، ترکیب و ساختار درصدی نمونه آماری، با توجه به برخی متغیرها گزارش شده‌است.

جدول شماره (۳) ابعاد مختلف هویت‌های ملی و قومی در میان اقوام مختلف

میانگین تبدیل شده به مقیاس (۵-۱)	تعداد گویه	میانگین نظری	میانگین کلی مشاهده شده	دامنه تغییرات		گروه‌های قومی				ابعاد مختلف هویت
				MAX	MIN	سایر گروه‌های محلی فارسی زبان	سیستانی	آذری	ترکمن	
۳/۴	۸	۲۵/۵	۲۷/۲۸ بالا	۴۰	۱۱	۳۰/۸۶ بالا	۳۰/۱۳ بالا	۳۰ بالا	۲۵/۱۲ بالا	زبان و ادب فارسی
۳/۶۵	۱۰	۳۱/۵	۳۶/۵۴ بالا	۵۰	۱۳	۳۷/۸۶ بالا	۳۹/۵۳ بالا	۳۹/۴۹ بالا	۳۴/۸۴ بالا	میراث فرهنگی
۴/۰۱	۱۵	۲۸	۳۲/۱۵ بالا	۴۰	۱۶	۳۲/۶۰ بالا	۳۳/۷۷ بالا	۳۲/۸۵ بالا	۳۱/۵۲ بالا	وابستگی ملی
۳/۶۵	۴	۵۱	۵۴/۸۷ بالا	۷۴	۲۸	۵۵/۴۳ بالا	۵۵/۲۰ بالا	۵۶ بالا	۵۴/۳۷ بالا	گرایش دینی
۳/۴۴	۵	۱۲	۹/۹۵ پایین	۲۰	۴	۱۰/۶۸ کمی پایین	۱۱/۲۶ کمی پایین	۱۰/۸۷ کمی پایین	۹/۲۶ پایین	گرایش سیاسی

۳/۵۷	۳	۱۵	۱۷/۸۵ بالا	۲۵	۵	۱۴/۴۳ کمی پایین	۱۷	۱۵/۶۷ متوسط	۱۹/۴۱ بالا	زبان و ادبیات قومی
۳/۳۸	۴	۹	۱۰/۱۵ کمی بالا	۱۵	۳	۸/۴۳ کمی پایین	۱۰/۶۲ بالا	۹/۷۸ متوسط	۱۰/۵۶ بالا	موسیقی قومی
۳	۶	۱۲	۱۴/۳۷ بالا	۲۰	۴	۱۲/۰۹ متوسط	۱۴/۵۷ بالا	۱۳/۱۸ کمی بالا	۱۵/۱۸ بالا	تاریخ قومی
۳/۳۶		۱۸	۲۰/۱۶ بالا	۳۰	۶	۱۸/۳۷ متوسط	۱۹/۸۲ کمی بالا	۱۸/۴۰ متوسط	۲۱/۱۲ بالا	وابستگی قومی

\* برآوردهای بالا، متوسط و پایین بر اساس مقایسه مقادیر بدست آمده در هر شاخص، با میانگین نظری بدست آمده است.

در جدول فوق نتایج توصیفی ابعاد مختلف هویت‌های ملی و قومی، در اقوام مختلف مورد بررسی در این پژوهش و بر اساس میانگین گرایش به هویت‌های مختلف گزارش شده است. برای هر یک از ابعاد انواع هویت، یک میانگین کلی و یک میانگین نظری گزارش شده است. همچنین میانگین‌های هر بعد به تفکیک اقوام مورد بررسی نیز محاسبه و گزارش شده‌اند. *گرایش اقوام به ابعاد هویت ملی*: میانگین‌های کلی مربوط به ابعاد هویت ملی وضعیت مطلوبی را نشان می‌دهند و به غیر از بعد گرایش سیاسی که پایین تر از میانگین نظری است، در سایر ابعاد هویت ملی، گرایش بالایی مشاهده می‌گردد. در بعد زبان و ادب فارسی، بیشترین گرایش در نزد سایر اقوام فارسی زبان، سیستانی‌ها، آذری‌ها و نهایتاً ترکمن‌هاست. گرایش به میراث فرهنگی و وابستگی ملی و گرایش دینی در اقوام مورد بررسی بالاست. اما گرایش سیاسی در بین اقوام و مخصوصاً در بین ترکمن‌ها پایین تر از حد متوسط یعنی میانگین نظری است. *گرایش اقوام به ابعاد هویت قومی*: در بعد زبان و ادبیات قومی، بیشترین گرایش به ترتیب در نزد ترکمن‌ها، سیستانی‌ها، آذری‌ها و سپس سایر گروه‌های فارسی زبان است. از حیث موسیقی قومی نیز وضعیت به همین ترتیب است. نهایتاً در بعد تاریخ و وابستگی قومی، بیشترین گرایش به ترتیب نزد ترکمن‌ها، سیستانی‌ها، آذری‌ها و نهایتاً سایر گروه‌هاست. برای روشنتر شدن وضعیت و وضوح بیشتر یافته‌ها، میانگین دو متغیر هویت ملی (کلی) و هویت قومی (کلی) به تفکیک اقوام و براساس نمرات (۱ تا ۵) به شرح جدول ذیل محاسبه شده‌اند.

جدول شماره (۴) میانگین گرایش اقوام به هویت ملی و هویت قومی کلی

نوع هویت	ترکمن	آذری	سیستانی	سایر گروه‌های محلی فارسی زبان	میانگین کل پاسخگویان
هویت ملی	۳/۲۹	۳/۶۴	۳/۶۸	۳/۶۱	۳/۴۴
هویت قومی	۳/۶۷	۳/۱۸	۳/۴۷	۲/۹۴	۳/۳۲

براساس یافته‌ها، هویت قومی اقوام به ترتیب در نزد ترکمن‌ها، سیستانی‌ها، آذری‌ها و نهایتاً سایر گروه‌های محلی، قویتر است. همچنین هویت ملی به ترتیب در نزد سیستانی‌ها، آذری‌ها، سایر گروه‌های محلی و ترکمن‌ها قویتر است.



نتایج این جدول تایید کننده نتایج جدول شماره ۳ است. به منظور بررسی دقیقتر روابط هویت قومی و هویت ملی در بین دانش آموزان اقوام مختلف شهرستان گنبد کاووس، رابطه همبستگی دو متغیر نیز محاسبه شده‌اند. اما برای دقت بیشتر، ابتدا ضرایب همبستگی اقوام مختلف هویت ملی و قومی در کل پاسخگویان به شرح ذیل گزارش شده‌است.

جدول شماره (۵) ماتریس ضرایب همبستگی میان ابعاد هویت ملی و قومی در کل پاسخگویان

وابستگی قومی	تاریخ قومی	موسیقی قومی	زبان و ادبیات قومی	
** -۰/۱۶۶ Sig ۰/۰۰۱	-۰/۰۴۱ Sig ۰/۰۴۳	-۰/۰۴۴ Sig ۰/۰۴۰	** -۰/۱۷۳ Sig ۰/۰۰۱	گرایش به زبان و ادب فارسی
-۰/۰۶۲ Sig ۰/۰۲۴	** ۰/۱۹۱ Sig ۰/۰۰۰	** ۰/۱۴۳ Sig ۰/۰۰۶	۰/۰۱۷ Sig ۰/۰۷۴	میراث فرهنگی
۰/۰۹۹ Sig ۰/۰۵۹	** ۰/۲۷۳ Sig ۰/۰۰۰	** ۰/۱۷۶ Sig ۰/۰۰۱	** ۰/۱۶۵ Sig ۰/۰۰۲	وابستگی ملی
** ۰/۲۱۶ Sig ۰/۰۰۰	** ۰/۱۷۹ Sig ۰/۰۰۱	** ۰/۱۳۹ Sig ۰/۰۰۸	** ۰/۱۹۹ Sig ۰/۰۰۰	گرایش دینی
۰/۰۵۹ Sig ۰/۰۲۵	** ۰/۲۷۳ Sig ۰/۰۰۰	** ۰/۱۷۵ Sig ۰/۰۰۱	* ۰/۱۰۷ Sig ۰/۰۰۴	گرایش سیاسی

\* معنی داری در سطح ۰/۰۵

\*\* معنی داری در سطح ۰/۰۱

نتایج نشان می‌دهد که میان بعد زبان فارسی هویت ملی با ابعاد زبان قومی و وابستگی قومی، رابطه منفی و معکوس وجود دارد. اما بین بعد وابستگی ملی و گرایش دینی و گرایش سیاسی، با ابعاد هویت قومی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارتی، اقوام از لحاظ سیاسی و دینی و ملی و میراث فرهنگی، تعارض و تضادی بین ملیت ایرانی و قومیت خود قائل نیستند. اما برای اینکه بتوان بطور کلی نوع رابطه این دو متغیر را در بین اقوام نیز مشخص نمود، در جدول ذیل ضرایب همبستگی هویت ملی و قومی در بین اقوام مورد بررسی به تفکیک محاسبه شده‌است.

جدول شماره (۶) ضرایب همبستگی میان هویت ملی و هویت قومی به تفکیک اقوام

کل	سایر گروههای محلی فارسی زبان	سیستانی	آذری	ترکمن	ضریب همبستگی
** ۰/۱۵۷	* ۰/۳۰۲	۰/۱۴۵	۰/۲۱۶	** ۰/۳۵۳	
۰/۰۰۳	۰/۰۳	۰/۳۴	۰/۱۱	۰/۰۰۰	Sig

با توجه به جدول فوق رابطه میان قومیت و ملیت در میان تمام گروههای قومی مثبت و مستقیم است به این معنا که این دو متغیر همدیگر را تقویت می کنند و جالب آنکه میزان همبستگی هویت ملی و قومی در بین ترکمن ها عدد بالاتری را نشان می دهد. یعنی با وجود آنکه ترکمن ها گرایش قویتری به ابعاد هویت قومی در مقایسه با دیگر اقوام داشته اند، اما این تناقضی با گرایش ملی شان نداشته است.

جدول شماره (۷) ماتریس ضرایب همبستگی میان متغیرهای تحقیق

محروریت نسبی	هویت قومی	
-۰/۱۸۳**	۰/۱۶**	هویت ملی
** -۰/۱۷۹	** -۰/۱۷۲	جنس
	۰/۱۶**	محروریت نسبی

هویت ملی و هویت قومی با سن رابطه ای ندارند. شاید دلیل اصلی آن است که متغیر سن، واریانس مناسبی ندارد. محرومیت نسبی با هویت ملی رابطه معکوس دارد. بدین معنا که هرچه پاسخگویان احساس محرومیت نسبی بیشتری کنند، گرایش آنها به مولفه های هویت ملی کاهش می یابد و برعکس احساس همبستگی قومی افزایش می یابد. این افزایش در مولفه های هویت قومی که در راستای صف آرایی در برابر هویت ملی است پدیده مثبتی ارزیابی نمی شود. متغیر جنس با هویت ملی رابطه ای نداشت، اما جنس رابطه منفی و معکوسی با هویت قومی و محرومیت نسبی دارد. به گونه ای که دانش آموزان پسر احساس محرومیت نسبی بالاتری نسبت به دانش آموزان دختر دارند و لذا از گرایش قوی تری به هویت قومی در مقایسه با دختران برخوردارند. در ادامه میانگین متغیر احساس محرومیت نسبی به تفکیک اقوام و همچنین به تفکیک دانش آموزان دختر و پسر گزارش شده است.

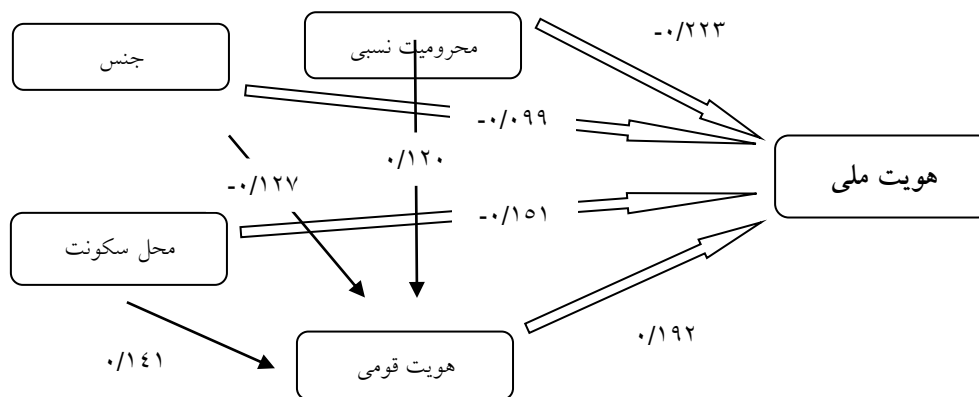
جدول شماره (۸) میانگین اقوام بر اساس متغیر میزان احساس محرومیت نسبی

اقوام	دامنه تغییرات	میانگین کلی مشاهده شده	میانگین نظری	تعداد گویه	میانگین تبدیل شده به مقیاس (۱-۵)
ترکمن	۱۷-۵۲	۳۴/۲۰	۳۴/۵	۱۳	۲/۶۳
آذری	۱۸-۴۸	۳۰/۴۱	۳۳	۱۳	۲/۳۳
سیستانی	۲۰-۴۷	۳۲/۶۸	۳۳/۵	۱۳	۲/۵۱
سایر گروهها	۱۸-۵۲	۳۲/۱۳	۳۵	۱۳	۲/۴۷
کل پاسخگویان	۱۷-۵۲	۳۳/۱۵	۳۴/۵	۱۳	۲/۵۵

جدول فوق میانگین پاسخگویان را در متغیر احساس محرومیت نسبی نشان می دهد. نکته مهم آنست که نمره اقوام مختلف در میزان احساس محرومیت نسبی، از متوسط پایینتر است (مقایسه میانگین مشاهده شده و میانگین نظری). و

اگر میانگین هر گروه قومی را با میانگین کل مقایسه کنیم، اقوام احساس محرومیت نسبی پایینتر از متوسط کل را دارا هستند. تنها نمره ترکمن‌ها در حد متوسط کل، می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که جامعه و نمونه آماری از این نظر در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند.

در بخش‌های قبلی همبستگی بین متغیرها گزارش شدند. با توجه به اینکه همبستگی‌ها فقط اثرات و روابط مستقیم را مورد بررسی قرار می‌دهند، لذا برای دقت بیشتر اقدام به انجام تحلیل مسیر بین متغیرهای تحقیق شد. مدل یا نمودار مسیر، همواره با توجه به مبانی نظری و تجربی تحقیق طراحی و آزمون می‌شود و با توجه به اینکه اغلب تحقیقات هویت ملی را هم تحت تاثیر هویت قومی و هم تحت تاثیر محرومیت نسبی و سایر متغیرهای تحقیقی در نظر گرفته‌اند؛ لذا هویت ملی در گام اول به عنوان متغیر وابسته و هویت قومی، محرومیت نسبی، جنس، محل سکونت و سن به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله شدند. در هر گام پس از اجرای آزمون، متغیرهایی که رابطه آنها معنادار بودند، در مسیر باقی ماندند و متغیرهای مستقلی که در هر گام بر روی وابسته معنادار نبودند در گام بعدی و در ارتباط با متغیرهای دیگر آزمون شدند. لذا اثرات غیر مستقیم متغیرها، علاوه بر اثرات مستقیم مشخص شدند که در ادامه ضمن معرفی مدل، گزارش شده‌اند.



نمودار تحلیل مسیر فوق حاصل چند مرحله تحلیل رگرسیونی است که اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای تحقیق بر روی هویت ملی و هویت قومی و نسبت این دو آمده است. نمودار نشان می‌دهد که احساس محرومیت نسبی، هویت ملی را تضعیف نموده و گرایشات قومی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر اثر جنسیت دانش آموزان بر روی هویت ملی و هویت قومی معکوس است. بدین معنا که دانش آموزان پسر هویت ملی و هویت قومی قویتری دارند. ورود متغیر محل سکونت به معادله رگرسیونی نشان داد که اثر محل سکونت بر روی هویت ملی منفی و بر روی هویت قومی مثبت است. یعنی شهرنشینان هویت ملی قویتر و روستانشینان هویت قومی قویتری دارند. در جدول زیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل گزارش شده است.

جدول شماره ۹- ضرایب مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
محرومیت نسبی	-۰/۲۲۳	۰/۰۲۳	-۰/۲
هویت قومی	۰/۱۹۲	—	۰/۱۹۲
جنس	-۰/۰۹۹	-۰/۰۲۴	-۰/۱۲۳
محل سکونت	-۰/۱۵۱	۰/۰۲۷	-۰/۱۲۴

در پایان جهت تشریح دقیقتر وضعیت پاسخگویان، میانگین هویت ملی و قومی و محرومیت نسبی بر حسب جنس و سپس محل سکونت گزارش و مقایسه شده‌اند.

جدول شماره (۱۰) میانگین مربوط به هویت ملی، هویت قومی و محرومیت نسبی پاسخگویان بر حسب جنس

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
هویت ملی	پسر	۱۶۲/۰۵	۱۸/۵۶	۰/۰۰۰
	دختر	۱۵۹/۷۵	۱۷/۲۷	
هویت قومی	پسر	۶۵/۰۳	۱۳/۷۵	۰/۰۰۱
	دختر	۶۰/۱۹	۱۲/۴۲	
احساس محرومیت	پسر	۳۴/۴۲	۶/۷۷	۰/۰۰۰
	دختر	۳۲/۰۱	۶/۴۸	

مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموزان پسر، هویت ملی و قومی بالاتر و احساس محرومیت بیشتری در مقایسه با دانش‌آموزان دختر دارند. با توجه به سطح معناداری حاصله، تفاوت به لحاظ آماری معنادار است.

جدول شماره (۱۱) میانگین مربوط به هویت ملی، هویت قومی و محرومیت نسبی بر حسب محل سکونت

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
هویت ملی	شهر	۱۶۲	۱۹/۴۳	۰/۰۰۰
	روستا	۱۵۵	۱۸/۶۲	
هویت قومی	شهر	۶۱/۲۶	۱۴/۳۲	۰/۰۰۰
	روستا	۶۷/۱۳	۱۲/۰۴	
احساس محرومیت	شهر	۳۲/۶۷	۶/۶۴	۰/۰۰۰
	روستا	۳۴/۹۱	۶/۷۰	

دانش آموزان شهری در هویت ملی، میانگین بالاتری نسبت به دانش آموزان روستا نشین دارند؛ در مقابل دانش آموزان ساکن روستا احساس محرومیت بیشتری داشته و هویت قومی قویتری دارند.

### بحث و نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هویت ملی و قومی، هر دو در میان دانش آموزان اقوام مختلف بالاتر از میانگین هستند. در واقع هر دو نوع هویت، پایگاه قوی دارند؛ در حالیکه تصور اولیه آنست که گرایش به هویت قومی در میان اقوام، فاصله جدی با هویت ملی آن‌ها داشته باشد. این یافته با نتایج پژوهش «حاجیانی» (۱۳۸۸) که به نسبت هویت ملی و قومی در میان اقوام ایرانی پرداخته همسو می‌باشد. این بدان معناست که افراد در دوران جامعه‌پذیری خود عناصر و مولفه‌های هویت جمعی مختلفی را در خود درونی می‌کنند. هم هویت قومی و هم هویت ملی و این وضعیت، انعطاف‌پذیری شهروندان را نسبت به همدیگر افزایش می‌دهد. بنابراین ممکن است فرد در عین اینکه به ترکمن بودن یا به ترک بودن یا به سیستانی بودن خود می‌بالد، اما در عین حال خود را یک ایرانی هم می‌داند. جداول میزان گرایش به هویت ملی نیز موید این نکته بود؛ به گونه‌ای که دانش آموزان بطور کلی گرایش قابل قبول و بالایی به هویت ملی نشان دادند. نتایج نشان داد که ترکمن‌ها در عین اینکه گرایش قومی بالایی دارند (بعد از سیستانی‌ها) اما همزمان، از بالاترین گرایش به هویت ملی نیز برخوردارند. همچنین یافته‌ها نشان داد بین میانگین هویت ملی و قومی دانش آموزان شهر و روستا تفاوت معنادار وجود دارد بطوریکه میانگین هویت ملی دانش آموزان شهری و میانگین هویت قومی دانش آموزان روستایی بالاتر است. این یافته با نتایج پژوهش «لهسایی زاده» و همکاران (۱۳۸۹) که بر عدم رابطه بین سابقه شهرنشینی و هویت قومی اشاره دارند همسو است. یعنی کسانی که در شهر سکونت دارند، گرایش کمتری به هویت قومی دارند و برعکس هویت ملی آن‌ها پررنگتر است. همچنین یافته‌ها نشان داد که محرومیت نسبی رابطه معکوسی با هویت ملی و نسبت مستقیمی با هویت قومی دارد. بر اساس دیدگاه طرفداران نظریه محرومیت نسبی، وقتی اعضای گروه‌های قومی برای خود جایگاهی فروتر از اقوام دیگر (در زمینه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) متصور شوند، این تصور منجر به نارضایتی آنان می‌گردد و عاملی برای همبستگی بیش تر قومی می‌شود. البته تحقیق لهسایی زاده و همکاران (۱۳۸۹) نیز بر رابطه مثبت بین احساس محرومیت نسبی (در بعد اقتصادی و بعد سیاسی) و هویت قومی اشاره دارند. مقایسه میانگین متغیرها بر حسب محل سکونت نشان داد که دانش آموزان شهری هویت ملی قویتری دارند اما دانش آموزان روستایی، احساس محرومیت بیشتری داشته و هویت قومی بالاتری دارند. میانگین احساس محرومیت نسبی در بین گروه‌های قومی مختلف نیز جالب توجه است. درست است که ترکمن‌ها نمره بالاتری در محرومیت نسبی نسبت به سایر اقوام کسب نموده‌اند؛ اما بطور کلی نمره تمامی گروه‌های قومی مورد بررسی در محرومیت نسبی، پایینتر از میانگین نظری بوده و لذا از این جهت نمونه آماری در وضعیت مطلوبی قرار دارد. تحلیل رگرسیونی متغیرها نیز موید نتایج فوق است. تحلیل رگرسیونی نشان داد که برخی متغیرها اثر مستقیم، برخی اثر غیر مستقیم و برخی هر دو اثر را بر هویت ملی دارند. همچنین هویت قومی اثر مثبتی بر هویت ملی دارد. متغیر سن به دلیل نداشتن واریانس کافی تاثیری بر هیچ یک از متغیرها نداشت و نهایتاً اینکه محرومیت نسبی اثر معکوسی بر روی هویت ملی داشته اما در عین حال قوم‌گرایی را تشدید می‌کند. خلاصه آنکه

هویت ترکیبی ملی و قومی وجود دارد اما کیفیت آن از قومی به قوم دیگر و از جنسی به جنس دیگر و بعضا بر حسب محل سکونت، متفاوت است.

## منابع

- احمدلو، حبیب (۱۳۸۱)، بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر عماد افروغ، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳)، عقل در سیاست، جامعه‌شناسی سیاسی و توسعه سیاسی، تهران، نشر نگاه معاصر.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۲)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، کتابسرای بابل.
- ربانی، جعفر (۱۳۸۱)، هویت ملی، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول.
- رستگارخالد، امیر و محمدی، میثم (۱۳۹۳)، ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شهر تهران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۳، شماره ۳: ۴۹۵-۴۷۲.
- رضایی احمد، ریاحی محمد اسماعیل، سخاوتی فر نورمحمد (۱۳۸۶)، «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن های ایران»، مطالعات ملی، دوره ۸، شماره ۴ (۳۲)؛ از صفحه ۱۱۹ تا صفحه ۱۴۰.
- ریترز، جورج (۱۳۷۹)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، نشر کیهان.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۵)، «مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی در ایران و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگی ایران و جهان»، نامه پژوهش، شماره ۲ و ۳.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، «بحران هویت (هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران)»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، دفتر اول.
- عبدالهی، محمد و حسین‌بر، محمد عثمان (۱۳۸۱)، «گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران»، نامه انجمن، دوره چهارم، شماره ۴.
- کرایب، یان (۱۳۸۱)، نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، جلد سوم، تهران: طرح نو.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۶)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کیشی‌پور، احمدعلی (۱۳۸۳)، بررسی جامعه‌شناختی ابعاد هویت جمعی در بین شهروندان تالش با تأکید بر نظام قشربندی اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر محمد عبداللهی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- لهسایی زاده، عبدالعلی، علی اصغر مقدس و سید مجتبی تقوی نسب (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز»، پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی، سال ۲۰، شماره پیاپی (۳۳)، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹.
- مهرمند، احد، حسین اشرفی سلطان احمدی، بهاره عزیزی نژاد و علی ماندگار (۱۳۸۹)، «بررسی جامعه-شناختی میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان آذری زبان شهر ارومیه»، فصلنامه مطالعات و امنیت اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۹.
- محسنی تبریزی، علیرضا و درویش ملا، محمد حسین (۱۳۸۷)، "سنجش میزان احساس محرومیت نسبی و محرومیت نسبی ادراکی جوانان (مطالعه شهر تهران)" نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۴: ۹۶-۷۳.
- یازرلو، رضا (۱۳۸۹)، «بررسی جامعه شناختی ابعاد هویت جمعی دانشجویان دانشگاه پیام نور استان گلستان». پروژه تحقیقاتی درون دانشگاهی
- Turner. Jonathon. H. (۱۹۹۸) The structure of sociological theory. Six edition. Belmont: handsworth publication